



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

کتابخانه مجازی
افغانستان

فرهنگ ازدواج در
هزارستان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگ ازدواج در هزارستان

نویسنده:

دکتر حفیظ الله شریعتی

ناشر چاپی:

دکتر حفیظ الله شریعتی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	فرهنگ ازدواج در هزارستان
۷	مشخصات کتاب
۷	آداب ازدواج و خواستگاری
۷	مراسم خواستگاری
۸	ناف بریدن دختر برای پسر
۸	دستمال فرستادن
۹	چادر انداختن روی گهواره دختر
۹	دختر عذر
۹	گله یا شیربها
۹	لاته پیرو(چادر و پیرهن)
۹	خرید شیرینی خوری
۱۰	شیرینی خوری(عقدکنان)
۱۰	نکاح- مراسم عقد کنان
۱۱	مهریه
۱۱	نامزدی و عیدی بردن
۱۱	لباس بردن
۱۱	دوختن لباس عروس
۱۲	بریدن رخت عروسی و دامادی
۱۲	زیور آلات عروس
۱۲	پیکی
۱۲	جودانه و طوق
۱۲	بالی و سلسله

- ۱۳ تیقی چیغی (حمایل)
- ۱۳ انگشتر، گوشواره و خال بینی
- ۱۳ مهمانی - خانه بلتی
- ۱۳ خرج بردن
- ۱۴ بوسراغ پخته کیدو (شیرینی پزیدن)
- ۱۴ قودغو بردو (بردن مادر داماد)
- ۱۴ مهمانی عروس
- ۱۴ طوی - دعوت برای جشن عروسی
- ۱۵ دی دو خوانی و دمبوره نوازی
- ۱۵ جهاز بردن
- ۱۵ خینه کردن دست عروس (حنابندان)
- ۱۶ آرایش عروس
- ۱۶ بردن عروس
- ۱۷ بیری برکیدو (فرستادن عروس به خانه ی بخت)
- ۱۸ در مسیر عروس
- ۱۸ قرقه - نشانه زنی یا گیرگ
- ۱۸ مسابقه ی اسپ دوانی
- ۱۹ نیزه زنی و بزکشی
- ۱۹ بیری مبارک کیدو (تبریکی عروسی)
- ۱۹ مهمانی
- ۱۹ پای وازی (پای کشا)
- ۱۹ ازدواج در ضرب‌المثل و سخن حکیمانه ی مردم هزاره
- ۲۰ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فرهنگ ازدواج در هزارستان

مشخصات کتاب

سرشناسه: کتابخانه مجازی افغانستان، ۱۳۹۲

عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ ازدواج در هزارستان / دکتر حفیظ الله شریعتی.

مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع: خانواده

آداب ازدواج و خواستگاری

اوایل آمد بیو بیری آورده / کمر باریک از جاغوری آورده

کمر باریک کمر شی تال وری یه / چیمای شی گرگ قد مال وری یه

مراسم ازدواج در هزارستان آداب و رسوم متنوع و خاصی دارد. به طوری که هنوز گذر از آن سخت می نماید. مراسم ازدواج باید بر طبق اصول ویژه ای برگزار شود. این مراسم در هزارستان دارای مراحل گوناگون است که به برخی از آن ها اشاره می شود. خواستگاری، نامزدی و شیرینی خوری، میهمانی، خانه بلتی، تهیه جهیزیه و انجام خرید عروسی، جهازبران، پهن کردن سفره عقد و پخش شیرینی، خواندن خطبه عقد، خینه کدو- حنابندان، جشن عروسی، پایوازی- پاکشا از جمله ی این مراحل گوناگون اند. البته نباید رسم های نسل جدیدتر را مثل تهیه کیک عروسی، فیلمبرداری، تزئین ماشین عروس و رفتن به ماه عسل را از یاد برد که در گذشته رواج نداشته است.

شکل گیری پیوند زناشویی در هزارستان دارای مراحل و آداب خاصی به قرار زیر است که امروزه تنها برخی از آن ها بر جای مانده است.

مراسم خواستگاری

مراسم خواستگاری نخست از همسرگزینی آغاز می شود. برای همسرگزیدن، در گذشته پدر و مادر برای پسر خود دختری را انتخاب می کردند، سپس با بزرگان به شور می نشستند. وقتی نظر فامیل های دور و نزدیک را جلب می کردند، دختر را به پسر معرفی می کردند. اغلب بدون مخالفت پسر، وارد مرحله ی خواستگاری می شدند، پسرها کمتر می توانستند اعتراضی به این گزینه ها داشته باشند. دختران کمتر سهمی در انتخاب همسر داشتند. پسران البته بستگی به خانواده آن ها داشت. خانواده های عصری و نو به خواست پسران شان احترام می گذاشتند اما خانواده های سنتی خود تصمیم گیر واقعی بودند. عشق بیشتر درونی بود و سرچشمه یی و در ازدواج نقشی زیادی نداشت. ازدواج عاشقانه کمتر اتفاق می افتاد و بیشتر ازدواج ها رسمی و از طرف خانواده ها به فرجام می رسید. عشق ها سوزان بودند و بیشتر در آغاز خفه می شدند. کسی جریت نمی کرد عریان بیان عشق کند. اظهار عشق تبدیل به داستان های عاشقانه، دویتی و ترانه می شد. ازدواج ها بسیار رسمی و خانوادگی بود. انتخاب همسر و (دختر زیر چشم) کردن به عهده ی زنان بود. وقتی در محفل های عروسی و خانوادگی دختری زیر چشم می شد، به زودی مراسم خواستگاری صورت می

گرفت. انتخاب به سختی امروز نبود. خانواده‌ها انساب شناس بودند و تبارهای قومی را به خوبی می‌شناختند. معیار اصلی در همسرگزینی تبار نیک خانوادگی بود. اگر چند به صورت و سیرت نیز اهمیت زیادی قایل بودند. وقتی دختری برگزیده می‌شد، نخست مادر و یا یکی از زنان فامیل به دیدار خانواده‌ی دختر می‌رفتند. وقتی موافقت خانواده‌ی دختر را می‌گرفتند، خانواده‌ی پسر برای خواستگاری دختر می‌رفت. معمولاً خواستگاری توسط ریش سفید و یا بزرگ خانواده پدر یا مادر داماد انجام می‌شد. در پایان خواستگاری، پدر دختر جهت فکر کردن و مشورت مهلت می‌طلبید. در این زمان خانواده دختر فرصت فکر کردن می‌یافتند و به شور می‌نشستند. و بعد جواب نهایی را می‌دادند. البته در گذشته ازدواج بیشتر اجباری و درون خانوادگی بود، ولی امروزه جوانان خود همسر آینده‌ی خود را انتخاب می‌کنند و بعد خواستگاری انجام می‌شود.

اگر داماد مورد قبول واقع نشود، خانواده‌ی دختر به بهانه این که دختر را برای فامیل یا پسرعمو انتخاب کرده‌اند، جواب منفی می‌دهند. اما امروزه انتخاب پسر و دختر از ارکان مهم همسرگزینی است که آنان باید خود شریک زندگی شان را انتخاب کنند. وقتی پسری شریک زندگی‌اش را انتخاب کرد، برای مراسم خواستگاری؛ مادر با مشورت پدر به خواستگاری دختر می‌رود و چنانچه رضایت خانواده‌ی دختر را جلب کند، پدر و مادر پسر با نزدیکان و اقوام به خواستگاری جدی می‌روند و به همراه خویش چادر، پیرهن، روسری، مقداری قند و انگشتر می‌برند.

در برخی مناطق مادر و چند تن از خانم‌های خانواده‌ی داماد به دیدن دختر می‌روند. اگر پسندیدند در جلسه بعد داماد را با خود می‌برند. چنانچه داماد هم دختر را پسندید، مادر او هدیه‌ای را که به آن نشانه می‌گویند، به خانواده‌ی دختر می‌دهد. اگر داماد پذیرفته نشد در چنین حالتی باور مردمی ناف بریدن پسر و دختر برای یکدیگر در کودکی و لاته(چادر) انداختن روی گهواره دختر، الزام ازدواج پسرعمو و دخترعمو که عقد آنان را گویا در آسمان‌ها بسته‌اند را خانواده‌ی دختر پیش می‌کشند.

در برخی مناطق رسم بر این است که زنان فامیل دختری را برای پسر انتخاب می‌کنند و چندین بار به خانه دختر رفت و آمد می‌کنند تا حرکات و رفتار او را در برخورد با مهمان و خانواده‌اش مورد ارزیابی قرار دهند. پس از آن نوبت به آمد و شد ریش سفیدان می‌رسد و در فرجام به خواستگاری رسمی تبدیل می‌شود. ازدواج‌های فامیلی به ویژه در روستاها که خانواده‌ها در ارتباط نزدیک‌تر و بیشتری هستند رایج است و ازدواج فرزندان عمه‌ها، عموها، ماماها- دایی‌ها و خاله‌ها مرسوم‌تر است.

ناف بریدن دختر برای پسر

این مراسم در دوران نوزادی صورت می‌گرفت. به این صورت که در جریان همسرگزینی با به دنیا آمدن نوزاد دختر، ناف او را به نام پسر مورد نظر می‌بریدند و در عرف محلی می‌گفتند: ناف این دختر برای فلان پسر بریده شد. بر این اساس در آینده بایستی با هم ازدواج می‌کردند. مردم محل نیز با دانستن این موضوع، هنگامی که دختر به سن ازدواج می‌رسید، به خواستگاری او نمی‌رفتند و در فرجام پسر و دختر نشانی شده با هم ازدواج می‌کردند.

دستمال فرستادن

این مراسم بیشتر توسط مادران انجام می‌گرفت. در این رسم خانواده پسر دستمالی را نزد خانواده‌ی او که نوزاد دختر به دنیا آورده‌اند؛ می‌بردند تا او را برای پسرشان نشان کنند. اگر این مراسم با خوشی پایان می‌یافت و مقبول دو طرف واقع می‌شد، در جوانی پسر و دختر نشان شده با هم ازدواج می‌کردند.

چادر انداختن روی گهواره دختر

وقتی در خانه ای یکی دختر می شد. یکی از دوستان و رفیقان پدر دختر که پسر داشت، ضمن تبریک گفتن نوزاد، چادری را روی گهواره ی او می انداخت و به این صورت او را نشان می کرد. وقتی این پیوند دوستانه مقبول می افتاد آنان در جوانی با هم ازدواج می کردند. البته همیشه فرجام این گونه مراسم ها ازدواج نبود. بسیار دیده شده است که وقتی دختر و پسر بزرگ شدند، همدیگر را نپسندیدند. در نتیجه ازدواج هم اتفاق نیفتاد.

دختر عذر

رسم دختر عذر دادن سال ها است که در بین هزاره ها بر افتاده است. در گذشته وقتی میان دو طایفه قتل صورت می گرفت، برای پایان دادن به قتل دیگر و کشتار بیشتر دختری را از خانواده ی قاتل به خانواده ی مقتول به زنی می دادند. این پیوند ازدواج به نزاع دو طایفه پایان می داد و از کشتار و قتل دیگری جلوگیری می کرد. اما از آن جایی که در بیشتر موارد از طرف خانواده ی مقتول با دختر عذر بد رفتاری می شد، مردم به این رسم پایان دادند. دیگر سال هاست به خاطر احترام به زنان، اختیاری شدن ازدواج و تغییرات ساختاری در جامعه ی هزاره این رسم بر افتاده است و ممنوع اعلان شده است.

گله یا شیربها

گله یا شیربها مرحله پس از خواستگاری است. چند نفر از افراد ریش سفید خانواده ی داماد پیش پدر دختر می روند و بدین ترتیب شرایط نهایی طرفین مطرح می شود. در این نشست مقدار شیربها، لباس، چادر(لاته پیرو)، پیرهن تعیین می گردید. در این مراسم داماد حضور ندارد و موضوع بحث این مراسم بیشتر مهریه شیربها و جهیزیه است. خرج عروسی، زیورآلات و جهیزیه نیز معین می شود.

در اکثر روستاهای هزارستان هنوز مبلغی به عنوان حق شیر یا شیربها به مادر عروس می پردازند. شیربها به صورت نقد پرداخت می شود. خانواده دختر مقداری پول به آن اضافه می کنند و کمبود جهیزیه دخترشان را تامین می کنند. یعنی با پول نقدی که به عنوان شیربها اخذ می شود برای دختر جهیزیه تهیه می شود. البته این مبلغ معمولاً- صرف هزینه های جهیزیه عروس می شود حتی گفته شده است وقتی در گذشته خانواده عروس بیشتر شیربها می گرفتند، خانواده داماد متقابلاً بیشتر انتظار جهیزیه داشتند.

لاته پیرو(چادر و پیرهن)

رسم است که خانواده عروس به نزدیکانش پیرهن و چادر به رسم احترام هدیه می دهد. این رسم به این سبب است که خانواده درجه یک عروس در دادن جهیزیه به آنان کمک کند. این چادر و پیرهن در روز خواستگاری از طرف پدر عروس به پدر داماد پیشنهاد می شود که پس از تعدیلات در آن، پذیرفته می شود. پدر داماد این هدیه ها را زودتر می فرستد تا خانواده عروس در فکر جهیزیه باشند.

خرید شیرینی خوری

پس از توافق هایی در جلسه خواستگاری، تاریخی نیز برای شیرینی خوری و عقد تعیین می شود. پدر و مادر دختر و پسر(معمولاً

مادر عروس و چند زن از خانواده دو طرف) به بازار رفته، خرید انگشتری، حلقه، لباس کاملی برای عروس و... لباس محلی (پیراهن، تنبان، چادر، کت، وسکت- جلیقه، کفش، ساعت، انگشتر، لوازم آرایش و...) اکنون کت و شلوار برای پسر را با انتخاب پسر و دختر می‌خرند و برای روز شیرینی خوری آماده می‌کنند.

شیرینی خوری (عقدکنان)

تا مراسم عروسی، مراسم دیگری هم صورت می‌گیرد که جشن شیرینی خوری نام دارد؛ در این مراسم خانواده‌ی داماد برای عروس خانم و خانواده او چند دست لباس، چادر و توب (دسته‌ی) پارچه به عنوان خلعت می‌آورند. روز شیرینی خوری و عقد کنان، خانواده‌ی پسر، خوراکی‌های مانند تکی روغنی، پتیر، بوسراغ و مقداری لباس برای خانواده‌ی عروس را بر می‌دارند و با عده‌ای از فامیل دست اول به خانه عروس می‌روند. مردان و زنان خانواده‌ی داماد به صرف شام یا نهار دعوت می‌شوند. دعوت شدگان نخست با شیرینی یا بوسراغ و چای پذیرایی می‌شوند و در پایان به صرف آب گوشت یا پلوی دعوت می‌شوند. وقتی داماد لباس دامادی اش را پوشید و هدیه‌هایش را گرفت به خانه‌ی زنان می‌رود که در کنار عروس بنشینند و زنان هم داماد را ببینند. در وقت نشست روی کرسی عروسی باید یکی از دو نفر دیرتر از دیگری بنشینند، این دیر نشستن نوعی شرط بندی و مسابقه گونه است. در این نشست و دیر نشستن اگر عروس توانست با فشار دادن پای داماد، او را به نشستن وا داشت، نشانه آن است که عروس بر سر داماد مسلط خواهد شد. البته داماد در این موارد بیشتر کوتاه می‌آید. اما در برخی موارد کار حیثیتی می‌شود و لحظه‌های چندی به طول می‌کشد تا یکی بنشیند، گاهی این مسابقه به نزاع دو خانواده تبدیل می‌شود که با پا در میانی بزرگان به نیکویی پایان می‌یابد. در شب آن روز، ملا یا آخوند عقد دختر و پسر را می‌خواند. در شب عقد یا هنگام پوشیدن لباس داماد و عروس، دوستان و بستگان عروس و داماد به دیدن عروس و داماد می‌روند و هدیه مورد نظر خود را تقدیم می‌کنند. در برخی مناطق هنگام دریافت هدیه، جمع آوری کننده‌ی هدایا، نام هدیه دهنده را بلند می‌گوید و دیگری مبلغ و نام صاحب هدیه را ثبت در لیست خانوادگی منظور می‌نماید. سپس عمه‌ها، خاله‌ها و زن‌عمو‌ها؛ خانواده داماد، هر کدام انگشتر، النگو و یا زیور الاتی را به عنوان هدیه به عروس خانم می‌دهند.

نکاح - مراسم عقد کنان

مراسم عقد کنان را معمولاً در خانه‌ی عروس انجام می‌دهند و برای انجام این امر اتاقی را در نظر می‌گیرند تا مراسم عقد کنان در آن اجرا شود. قبل از شروع مراسم چند نفر از زنان خوش سلیقه و خوشبخت فامیل، برای تزئین سفره عقد در اتاق مورد نظر حاضر می‌شوند و با ظرافت خاصی اسباب سفره را در سرجای خود می‌چیدند.

اسباب سفره عقد عموماً عبارت‌اند از: قرآن، آئینه، نقل و شیرینی، بوسراغ چند تکه پارچه‌ی سپید، چند دانه دستمال خامک دوزی، گلابدان، خنچه، اسپند، کاسه‌ای آب که رویش یک برگ سبز باشد و... به هنگام عقد عروس را مقابل آئینه و رو به قبله می‌نشانند و به هنگامی که عاقد در حال خواندن خطبه عقد است، لازم می‌دانند که عروس خانم حتماً در آئینه نگاه کند تا بدین ترتیب بختش همچون آئینه صاف و روشن گردد. در موقع خواندن خطبه دو زن سپیدبخت دوطرف عروس می‌استند و دعا می‌خوانند. در این هنگام فرد دیگری با یک سوزن و نخ هفت رنگ جلو می‌آید و تعدادی کوک بر پارچه‌ی لباس عروس می‌زند. در برخی مناطق عروس و داماد به همراه چند نفر از خانواده‌هایشان به دفتر عاقد می‌روند و یا عاقد به منزل آن‌ها می‌آید و خطبه عقد را جاری می‌کند. رفت و آمدهای عروس و داماد پس از عقد، شروع می‌شود. هر چند که در گذشته گاه تا شب عروسی،

عروس و داماد همدیگر را نمی دیدند ولی این رسم، زیاد پا برجا نبوده است. اگر سند ازدواج داشته باشند معمولن سند ازدواج (نکاحنامه) را اخذ مکتب با توافق رسمی عروس و داماد و پدر و مادر آن ها می نویسند. در سند ازدواج حقوق زن در صورت طلاق یا وفات شوهر تعیین می گردد. سند را ملا و شاهدان و حاضران از هر دو جانب امضا می کنند.

مهریه

در گذشته مهریه یک جلد کلام خدا و شاخه گل تعیین می شد. در برخی جاها مهریه یک گاو و چند گوسپند بود. در برخی مناطق داماد عروس را در خیرخانه شریک می کرد و این مهریه ی او شمرده می شد. برخی هم نیم خانه را به نام مهریه به خانمش پیش کش می کرد. برخی هم مقدار پول و سکه ی طلا را مهریه می نامید.

نامزدی و عیدی بردن

در مدت نامزدی، داماد یا خانواده ی پسر در روزهای عید مقداری گوشت، برنج، بوسراغ، شیرینی، لباس کامل (سراپا) برای عروس و پارچه برای خانواده دختر می برد. خانواده ی دختر آن ها را دعوت به صرف شام و یا نهار می کند. در پایان مراسم به داماد و خانواده وی از طرف پدر عروس مانند عروس لباس و هدیه داده می شود. در این مدت دختر و پسر همدیگر را ملاقات می کنند. داماد در خلوت و به طور ویژه حلقه، انگشتری، گردن بند و ساعت و... در حالی که در پارچه سبز پیچانده شده اند به عنوان نشان نامزدی به عروس می دهد.

لباس بردن

بردن لباس عروس از طرف خانواده ی داماد بیشتر در شب انجام می شود. رنگ لباس عروس سفید و محل حجله گاه، خانه ی داماد است. در بیشتر موارد مراسم عقد و برپایی حجله در خانه ی عروس بر پا می شود.

دوختن لباس عروس

مراسم بریدن پارچه ی لباس عروس و داماد درون فامیلی انجام می شود. خانواده ی داماد پس از این که لباس های عروس را تهیه کرد، یک روز نیک مانند تولد ائمه اطهار (علیهم السلام) یا شب جمعه را برای بریدن رخت دامادی و عروسی تعیین می کنند. لباس ها را با هلله و شادی به خانه عروس می برند. بردن لباس ها بیشتر یک ماه پیش از عروسی انجام می شود تا عروس و خانواده اش فرصت کافی برای دوختن آن ها را داشته باشند. خانواده ی عروس وقتی بقچه ی لباس را باز کردند، یکی از نزدیکان داماد لباس ها (رخت)ها را یکی یکی به مهمانان نشان می دهد. مهمانان کف می زنند و آفرین و شاباش می گویند.

بریدن رخت عروسی و دامادی

بریدن و قیچی زدن لباس عروس را باید یک زن خوشبخت و دولتمند (زن خوش بخت) انجام دهد. لباس‌ها را در پتنوس (سینی) چیده و روی آن را پارچه‌ی سبزی می‌کشند. زنان پس از دیدن لباس عروس و داماد تبریک می‌گویند و آن را به خیاط می‌سپارند تا برای روز شیرینی خوری و عروسی آماده کند. در برخی مناطق خیاط خود زنان اند که جمعی یا تکی لباس عروس و داماد را می‌دوزند. این روزها لباس عروس و داماد را خیاط‌های شهری آماده می‌کنند. در برخی مناطق لباس روز عروسی را اجاره می‌کنند.

زیور آلات عروس

زیور روی لباس عروس گلویند زرین یا اشرفی همراه با دانه‌های رنگارنگ دکمه و النگو و دستبند نقره یا طلا است. عروس از طلا کمتر استفاده می‌کند. وسایل زینتی عروس بیشتر از زر (نقره) است.

پیکی

پیکی دایره‌ی ماه‌گون است که عروس آن را روی پیشانه به صورت عمودی می‌بندند. به این دایره که در اطراف آن منگوله‌های از زر به صورت‌های مختلف مانند نقش درخت، بوته‌ی گیاه و شاخه‌های گل است، تاویدک (تعویذ کوچک) هم می‌گویند. تعویذک مانند تعویذ دارای چهار گوش و لوزی مانند است. در هر گوش آن چند تعویذ کوچک دیگر آویزان می‌شود که هنگام بالا و پایین کردن سر صدای موسیقی دلنشینی می‌دهد.

جودانه و طوق

طوق همان گردن‌بند است که عروس هنگام عروسی آن را به گردن می‌آویزند. جودانه آویزه‌های طوق است که به صورت عمودی بر آن گره زده می‌شود. جودانه یک نیم دایره‌ی کلان است. در کناره‌های این دایره چند منگوله و طوق کوچک جا گذاشته می‌شوند. هر طوق دارای چند دایره و چند طوق کوچک تراست. این طوق‌های سلسله وار در چند منزل ساخته می‌شوند که به آن جودانه‌ی چند منزله می‌گویند. آخرین منزل و طبقه‌ی این طوق‌ها باریک‌تر است که در راس آن دایره‌ی کوچک وجود دارد. داخل این دایره پراست. روی این دایره نگین بزرگی به رنگ سرخ (قرمز) جا گذاشته می‌شود که هنگام تکان خوردن نور می‌دهد.

بالی و سلسله

بالی همواره با سلسله‌ی کوچک همراه است. چند منگوله و طوق که به شکل پیکی ساخته می‌شود. عروس بالی را در نباگوش به صورت عمودی آویزان می‌کنند. طرف پایین بالی همسان با گوشواره است و بالای آن به کلاه و یا سرغوج عروس بند می‌شود. سلسله به صورت افقی روی پیشانه‌ی عروس کشیده می‌شود و بالای دو گوش عروس بند می‌گردد. سلسله دارای آویزه‌های

زیادی است که در وسط آن پیکی قرار می‌گیرد.

تیقی چیغی (حمایل)

تیقی چیغی - حمایل عروس مانند حمایل تفنگ ساخته می‌شود با این تفاوت که در آن به جای تیر و گلوله سکه‌های زرین یا اشرفی همراه با دانه‌های رنگارنگ دکمه‌جا گذاشته می‌شود. حمایل مانند کلاه با سوزن به زیبایی تمام دوخته می‌شود. برخی مناطق هزاره نشین حمایل را با نخ‌های رنگارنگ روی پارچه می‌دوزند.

انگشتر، گوشواره و خال بینی

انگشتر عروس بیشتر از نقره است اگر چند این روزها طلا- جای نقره را گرفته است. زرگران هزاره برای ساختن انگشتر عروس نخست نقره را آب می‌کنند و سپس در قالب‌های از پیش ساخته شده می‌ریزند و از آن انگشتر به اندازه‌های مختلف می‌سازند. نگین انگشتر عروس از سنگ‌های قیمتی داخلی و خارجی درست می‌شود. مشهورترین نگین‌های انگشتر عروس عبارت‌اند از عقیق، فیروزه، لعل بدخشان، لاجورد، زمرد و مانند آن که به شکل بسیار نیکویی تراشیده و جا گذاشته می‌شوند. گوشواره نیز مانند انگشتر از نقره درست می‌شود، اگر چند امروزه جای آن را طلا گرفته است. گوشواره‌ها به شکل‌های مختلف ساخته می‌شوند که نوع معمول آن لوزی، سه گوش و چهار است. خال بینی عروس از نقره است. شکل معمول خال بینی‌ها شکل نقطه‌ی ریز و دکمه بسیار کوچک‌اند که از دور خیلی به چشم نمی‌آیند.

مهمانی - خانه بلتی

وقتی خانواده‌ی داماد و عروس تصمیم گرفتند عروسی بگیرند، دو طرف مهمانی ترتیب می‌دهند که به اصطلاح محلی به آن خانه بلتی می‌گویند. در مهمانی خانه بلتی نخست پدر عروس، پدر داماد را مهمانی می‌کند و در پایان نزدیک به زمان عروسی پدر داماد، پدر عروس را دعوت به مهمانی خانه بلتی می‌کند. در این مراسم زمان و مکان و خرج عروسی تعیین می‌گردد. پدر عروس با گرفتن هدیه با جمعی از نزدیکانش به مهمانی به خانه‌ی پدر داماد می‌رود. در پایان مهمانی پدر داماد به پدر عروس شال، چین و یا کمبل (پتو) می‌دهد. به دیگر مهمانان هم به رسم هر منطقه لنگی، چادر و پیرهن دوخته شده می‌دهد.

خرج بردن

یکی از کارهای عروسی در هزارستان فراهم آوردن «خرج» برای تهیه‌ی غذای عروسی است. چند روز مانده به عروسی عده‌ای از جوانان با کمک خانواده داماد خرج عروسی را به خانه پدر عروس می‌برند. معمولاً همه جوانان داوطلب چنین کاری هستند، زیرا می‌دانند که برای عروسی خودشان متقابلاً جوانان دیگر این زحمت را متحمل می‌شوند. همیزم، روغن، گوشت، برنج، آرد، شکر، چای، ادویه، نمک، سیب زمینی - کچالو، پیاز و... برای مراسم عروسی به خانه پدر عروس برده می‌شود.

مرسوم است چنانچه کسی از اقوام عروس یا داماد فوت شده باشد و از چهل‌م آنان نیز گذشته باشد، خانواده عروس یا داماد نزد آن‌ها می‌رود، برای برگزاری مراسم از آن‌ها اجازه می‌گیرد.

بوسراغ پخته کیدو (شیرینی پزیدن)

برای آماده کردن بقچه‌ی مادر داماد و سوغاتی، پتیر و بوسراغ قودغو (مادر داماد) چند روز پیش از عروسی و رفتن مادر داماد به خانه پدر عروس، از زنان فامیل دعوت می‌شود که در مراسم بوسراغ پزی گرد بیایند. آرد بوسراغ که از آرد گندم به اضافه روغن و شکر است از شب پیش آماده می‌شود. وقتی زنان فامیل آمدند، همه با شور و شوق بسیار آتش می‌افروزند و بوسراغ‌ها را آماده می‌کنند. نان روغنی و پتیر نیز در این روز پخته می‌شوند. دختران دی‌دو و دوییتی می‌خوانند و زنان کهن سال و میان سال قصه می‌گویند. برخی از دختران و پسران جوان دمبوره می‌نوازند و آواز می‌خوانند.

قودغو بردو (بردن مادر داماد)

چند روز پیش از عروسی خانواده و نزدیکان داماد به صورت جمعی مادر داماد را برای تدارک و هماهنگی عروسی به خانه پدر عروس می‌برند. مادر داماد دختر کوچکش را نیز با خود می‌برد که به وی قودغوچه گفته می‌شود. مهمانان مقدماتی عروسی از طرف خانواده‌ی عروس به گرمی استقبال می‌شوند. در پایان به جز مادر داماد و در برخی مناطق خود داماد دیگران به خانه بر می‌گردند.

مهمانی عروس

وقتی زمان عروسی نزدیک شد، خانواده درجه یک عروس، عروس خانم را دعوت به مهمانی خانوادگی می‌کنند. در این دعوتی عروس ضمن آخرین دیدو بازدید و خدا حافظی با خانواده پدری از طرف خانواده درجه یک، هدیه‌ی عروسی دریافت می‌کنند. این هدیه عوض پیرهن و چادر است که پدر عروس به فامیل نزدیکش داده است. این هدیه‌ها جهیزیه عروس را کامل می‌کند.

طوی - دعوت برای جشن عروسی

دعوت از مردم برای شرکت در جشن عروسی توسط خانواده‌ی عروس و داماد صورت می‌گیرد. هنگام دعوت، کلان فامیل از یکی که درس خوانده باشد؛ می‌خواهد که دوستان و خویشان را برای دعوت به جشن عروسی با نامه و یا کارت عروسی فرا بخواند. وقتی نامه و یا کارت دعوتی به دست فراخوانده رسید، وی با ذکر دعای خیر و خوشبختی اعلام آمادگی برای حضور در جشن عروسی را می‌نماید. در عروسی مهمانان نخست با چایی پذیرایی می‌شوند، بعد با آب گوشت و یا پلو پذیرایی می‌گردند. وقتی غذا صرف شد، لباس داماد را می‌آورند. در این شب چند تن از آقایان از خانواده‌ی عروس سینی‌های بزرگ تزیین شده‌ای (توسط خانواده عروس برای داماد و خانواده اش) را بر سر می‌گیرند و با رقص و پای کوبی وارد مجلس داماد می‌شوند؛ و آن قدر آن‌ها را در سر می‌چرخانند تا هدیه‌ای را از پدر، برادر، فامیل نزدیک و مادر داماد نگرفته و سینی‌ها را بر زمین نمی‌گذارند. در

داخل یکی از سینی‌ها لباس داماد و اکنون، کت و شلوار داماد است که پوشاندن آن به تن داماد به عهده یکی از نزدیکان داماد است که با اشعار سنتی این کار انجام می‌شود. وقتی لباس داماد در وسط مجلس گذاشته شد، یکی از رفیقان و نزدیکان داماد پس از نشان دادن لباس به مردم و کف زدن مردم (قوده) لباس را به تن داماد می‌کند. در پایان دست قوده را حنا می‌کنند و روی دست آن‌ها دستمال سوزن دوزی شده می‌گذارند. وقتی حنابندان قوده تمام شد، حلوا سرخ می‌آورند، در پایان روی سینی حلوا و حنا، قوده به مقدار توان پول می‌اندازند. این پول به خدمت کارانی تعلق می‌گیرد که مراسم عروسی را بر پا می‌کنند. گاهی هم بین فامیل نزدیک عروس قسمت می‌شود. در برخی مناطق کسی که مسئول جمع‌آوری هدایا است با کاسه‌ای نقل و شکلات وارد می‌شود. مهمان‌ها هر کدام مقداری از محتویات کاسه را بر می‌دارند و بعد هر کدام هدایای نقدی خود را که به گویش محلی (توی پولی) گفته می‌شود در ظرف می‌اندازند. نوازندگان محلی پس از خوردن شام در خانه عروس و پس از عروسی در خانه ی داماد، با دمبوره و دی دو خوانی، محفل پایکوبی و شادی را گرم می‌کنند و این کار تا نیمه‌های شب ادامه می‌یابد.

دی دو خوانی و دمبوره نوازی

در هنگام عروسی غزل خوانان و دمبوره نوازان دور از چشم شریعت پناهان محلی دوییتی می‌خوانند و دمبوره می‌نوازند. هزاره‌ها در روزهای شادی و خوشی مانند: عروسی، دمبوره‌ها را از پشت کندوها که پنهان کرده اند بیرون می‌آورند و آنانی که صدای خوش دارند با دوییتی‌های عاشقانه مجلس را پر از شادی و خوشی می‌سازند. آن‌هایی که لحن خوش دارند آهنگ‌های هزارگی را به «رفت»‌ها (کمپوزهای) گوناگون که نمایندگی از مناطق مختلف هزارستان می‌کند، اجرا می‌کنند. این رفت‌ها شامل رفت شیخ علی، تگوبرگ، مالستانی، بامیانی، جاغورگی و... می‌شوند. نیکوترین بخش شادی‌های عروسی دی دو خوانی دو زن یا دختر یا پسر جوان و نوجوان هزارگی است که رو به رو می‌نشینند و به نوبت یکی در جواب دیگری دوییتی‌ها را صدای خوش می‌خوانند. (عباس دلجو)

جهاز بردن

در روز عروسی عده‌ای که به آنان (قوده) می‌گویند، جهاز را با عروس به خانه ی داماد می‌برند. در گذشته برای جهاز بردن چند نفر از نزدیکان داماد به همراه چند قاطر یا الاغ وسایل جهیزیه عروس را به خانه داماد می‌بردند. افزون بر جهاز بران، عده‌ای غزل گوی (ترانه خوانان و دنبوره نوازان) نیز به خانه ی پدر داماد می‌رفتند. وسایل جهیزیه طبق توافقی که قبلاً بین خانواده‌های عروس و داماد صورت گرفته بود تهیه می‌شود. به عنوان مثال گاهی عبارت اند از: وسایل خانه، قالی، ظروف، دیگ‌ها، و ابزار آهنی و برنجی و زیورالات، دیگچه، قابلمه، ملاقه، آبکش، مجمع‌های مسی، آفتابه لگن و اسباب دیگری هم چون رختخواب، متکا، پشتی، پرده، سماور، و افزون بر همه ی این‌ها، آینه و قرآن جزو اصلی مهم‌ترین وسایل جهیزیه به شمار می‌رود.

خینه کردن دست عروس (حنابندان)

در این مراسم معمولاً عروس خانم یک لباس قرمز به تن می‌کند که قدما معتقدند سرخی این لباس نشانه محبت و عشق است. البته اکنون به رنگ اهمیت نمی‌دهند. حنابندان معمولاً شب قبل از عروسی انجام می‌شود. دختران جوان محل، دست و پای عروس را در منزل وی خینه می‌کنند یا حنا می‌بندند و با پارچه حریر سبز رنگ می‌بندند. در این میان دو تن از دوستان صمیمی عروس که هنوز

مجرد هستند در سمت چپ و راست عروس می ایستند تا داماد وارد شود. وقتی داماد به نزد عروس می آید، دختران با شادی کف می زنند و برای داماد عروس را تبریک می گویند. در برخی مناطق یکی از خانم های خانواده ی داماد؛ معمولا خواهرش، نزد عروس می آید و دست راست عروس خانم را بالا- می برد و کمی حنا به دست راست او میمالد. سپس اسکناسی روی آن می گذارد این کار را نشانه رزق و روزی می دانند. سپس عروس یا دختران حنای تزئین شده را به تمام خانم ها تعارف می کنند و خانم ها انگشتان خود را با آن رنگین می کنند. در همان ساعت؛ پسران جوان خانواده دست داماد را حنا میبندند. هنگام حنابندان موسیقی محلی و رقص ملی و قومی اجرا میشود. در پایان در برخی مناطق حلوا با نان محلی به شرکت کنندگان میدهند. امروزه مراسم حنابندان به این صورت است که یک برگ سبز درخت بید و یا یک اسکناس افغانی را در دستهای عروس و داماد می گذارند و روی آن حنا میبندند. هنگام حنابندان این شعر خوانده میشود: "بیری دستای خوره خینه کده، طوق طلا بسته کده، عروس مو شاپری یه، بیری مو گل وری یه، داماد مو شا داماده، ام شو شوی براته: خدا مبارک کنه، علی شای مردو مبارک کنه" در برخی مناطق مراسم حنابندان داماد هم همزمان با مراسم حنابندان عروس در خانه پدر داماد برگزار می شود. عروسی معمولا دو شبانه روز طول می کشد. روز اول پدر داماد و اقوام و فامیل به خانه ی پدر عروس دعوت می شود. در شب آن تختی خینه(حنابندان) بر گذار می گردد. در این مراسم داماد بر تختی کنار مجلس می نشیند و در دو طرف دست راست او وزیر دست راست و در طرف دست چپ او وزیر دست چپ او می نشیند. به وزیر دست راست شابال، شاه بالا هم می گویند. شابال و وزیر دست چپ از رفیقان نزدیک داماد انتخاب می شود. هر یک از دو وزیر پول روی دستمال داماد می اندازد. هر که بیشتر انداخت دستمال از آن او می شود.

آرایش عروس

عروس «چتر زلف» دارند. برای آرایش عروس این چتر زلف را درست می کنند. پیچه های او را می بندند و زلف جلوی صورت را پیچ می دهند و با پنگ(سوزن مو) به هم پیوند می دهند. موهای پشت سر را بیشتر اتیکی(بافته) می بافند. موهای عروس نباید افشان باشد، فقط می تواند پیچ در پیچ و تاب داشته باشد. عروس بیشتر نیازمندی های روزانه عروسی خود را محدود و آسان در نظر می گیرد و به وسیله خود مرتفع می سازد.

بردن عروس

برای بردن عروس نخست آخذ محل باید محل ستاره را نشان بدهد. روز خوب، روز نیکو، قرار نداشتن ستاره رو به روی دروازه از شرایط برون کردن عروس از خانه است. هنگام مراسم عروسی در خانه پدر عروس و آماده شدن عروس برای رفتن به خانه ی بخت، قوده چند ساعتی را به زدن دمبوره- ساز و رقص و شادمانی سپری می کنند. دختران و رفیقان عروس سر و صورت عروس را آرایش می کنند. او را عروس می سازند و شاهزاده اش می سازند. لباس های داماد را از خانه ی عروس و لباس های عروس را از خانه ی داماد با ساز و دهل و دایره می آورند و به آن دو می پوشانند. هنگامی که می خواهند عروس را به خانه داماد ببرند، پدر یا برادر عروس موظف می شود که کمر عروس را ببندد. پدر یا برادر بزرگ مقدار پولی را داخل دستمالی می گذارد، آن را تا می کند و به کمر عروس را می بندد. زنان پس از بسته شدن کمر عروس با گریه عروس را روانه خانه داماد می کنند. پدر عروس پیشانی او را می بوسد و او را از زیر قرآن رد می کند و راهی خانه بخت می کند. عروس نخست دیگدان خانه ی پدری اش را زیارت می کند، پس از آن دیگدان عموش را. روی دیگدان هم پولی به عنوان هدیه می گذارد. آنگاه چند نفر از خانه داماد با

اسب یا ماشین برای بردن عروس می‌آیند. وقتی عروس می‌خواهد از در خارج شود، یکی از خانواده‌ی عروس در را با دست می‌بندد و طلب هدیه می‌کند که به وی درگه گیر می‌گویند. پدر داماد هم مقدار پولی به وی می‌دهد و عروس را از در خارج می‌کند. عروس را سوار بر اسب یا ماشین می‌کنند. در جلوی آن‌ها دختران پو فی زن (پیش پو) اهالی طرب و پشت سر آن‌ها خانواده‌ی نزدیک داماد و عروس و سپس اسب یا ماشین عروس حرکت می‌کند. وقتی قافله عروس به خانه داماد رسید، اهالی محل و دعوت شدگان محلی باید به پیشواز عروس بروند و شیرینی و پول و سکه به طرف وی پرتاب کنند.

وقتی که عروس می‌خواهد پایش را در آستانه در خانه داماد بگذارد. چارمغز- گردویی را زیر پایش قرار می‌دهند تا به این ترتیب هرگونه طلسمی که برای عروس شده باشد از بین برود. در هنگام ورود، عروس زیر لب می‌گوید یا الله و داماد و دیگران می‌گویند الحمدالله و لاحوله ولا، به این نیت که عزیز شوهرش بشود. در این موقع داماد باید پایه پای عروس وارد خانه شود و در مراسم چادر گلاندن و پیشوازی عروس شرکت کند. در موقع ورود عروس و داماد به خانه و اتاق عروس، داماد یا یکی از زنان خوش بخت فامیل کفش‌های عروس را در می‌آورد و پولی که در کفش عروس گذاشته شده است را بر دارد. وقتی عروس را به منزل داماد می‌آوردند (در قدیم که عروس را با اسب می‌آوردند) عروس تا هدیه‌ای نمی‌گرفت از اسب پیاده نمی‌شد و یا وارد خانه نمی‌شد. امروزه که آوردن عروس با اتومبیل انجام می‌شود، در این شرایط نیز عروس تا هدیه نگیرد از اتومبیل پیاده نمی‌شود و یا وارد خانه نمی‌شود. در این حال عروس دستش را در چارچوب در بند می‌کند و می‌گوید تا هدیه‌ای و قولی دریافت نکند و نگیرد وارد خانه نمی‌شود. داماد در این صورت هدیه‌ای را قبول می‌کند یا قول می‌دهد که او را به آرزویش برساند و خوش بخت کند. هدایا ممکن است پول، ماشین، مسافرت، قول دعوا نکردن و یا قطعه‌ای زمین باشد. در گذشته عروس از شوهر و پدر شوهر تحفه‌ای مثل اسب سواری، گاو شیری، باغ میوه دار و یا زمینی حاصلخیز می‌خواست.

پس از این که عروس به خانه داماد وارد شد، زن‌های فامیل می‌آیند و شروع به شادمانی می‌کنند. آنان بر سر عروس و داماد نقل و پول می‌ریزند. می‌گویند که هر گاه از این نقل دختر دم بختی بخورد به زودی بختش باز می‌شود. وقتی عروس وارد خانه شد، آفتابه لگن می‌آورد و داماد پای عروس را می‌شورد. آب پای عروس را در چارگوش خانه می‌ریزند.

بیری بر کیدو (فرستادن عروس به خانه‌ی بخت)

در گذشته هنگام عروس بردن، یکی از زنان فامیل داماد وسیله‌ای را از خانواده‌ی عروس که به آن «عقل عروس» می‌گفتند برمی‌داشت و در خانه‌ی داماد آن را به عروس می‌داد. پدر داماد نیز شاخه‌ای سبزی را با خود از درختان خانه‌ی پدر عروس برداشت و با خود به خانه می‌برد. این آیین در برخی مناطق هنوز رواج دارد.

عروس را بر اسبی سوار می‌کردند و افسار اسب را ماما- دایی یا پسر عمو یا برادر عروس می‌کشید و تا خانه‌ی داماد او را همراهی می‌کردند. در صورتی که عروس روی اسب باشد، داماد مواظب اوست و شانه‌اش را با دست می‌گیرد که از اسب نیفتد. چند زن نیز با عروس به خانه‌ی داماد می‌رفتند که به آنان قودغو می‌گفتند. و یک‌الی دو شب آنجا می‌ماندند. اکنون این رسم به یک روز کاهش یافته است. فقط مادر عروس چند روز پیش عروس می‌ماند. عده‌ای از پسران خانواده‌ی عروس نیز او را همراهی می‌کردند که آن‌ها را لنگی خور می‌گفتند. لنگی خورها و قودخوها هدیه‌ای مانند: لباس و چادر از طرف خانواده‌ی داماد دریافت می‌کردند. این آیین در برخی مناطق هنوز رواج دارد.

عروس را با ساز و دهل به خانه‌ی داماد می‌برند. جلو خانه‌ی داماد عروس را گل باران و شیرینی باران و در برخی مناطق سکه و پول باران می‌کنند. مادر یا پدر یا برادر داماد، گوسفند یا گاوی را جلوی پای عروس ذبح می‌کنند. خانواده داماد به افرادی که به داماد هدایایی داده‌اند یا ماشین خود را آورده‌اند دستمال و مقداری شیرینی می‌دهد.

در مسیر عروسی

در مسیر حرکت عروس و داماد از خانه عروس تا خانه داماد که در گذشته با اسپ بود و اکنون با ماشین است اتفاق های جالب می افتاد که بسیار زیبا اند. وقتی عروس به روستایی می رسد، زنان و دختران ده در مسیر او قرار می گیرند و صورت عروس را می بینند و بر زیبایی و حسن انتخاب داماد و خانواده او آفرین می گویند. کودکان در راه کاروان آتش می افروزند و از داماد هدیه دریافت می کنند. برخی از کودکان با ریسمان راه بر عروس و داماد می بندند تا هدیه نگیرند، راه را باز نمی کنند. مردان و جوانان تیر هوایی شلیک می کنند و شادی می کنند. زنان رقص محلی می کنند. آنان چرخک، لنگی می زنند، دختران نوری بوفی (پیش پو) می زنند. دختران جوان آواز می خوانند. یکی از ترانه های زیبایی دختران چنین شروع می شود: پول خو دادوم، مال خو دادوم، هیچ بلای مه غم نشد، دانه شخل مه کم نشد. نوازندگان دنبوره دنبوره می نوازند و اشعاری را با صدای بلند می خوانند. برخی مناطق نوار ایکی میرزا، صفدر توکلی، بچه گل آغی، سید لشمک و... می گذارند. صدای شادی و خوشی مسیر رفت عروس به خانه ی بخت را پر می کند.

در شب پس از عروسی؛ در برخی مناطق سه روز پس از عروسی، عروس را با سرمه و لوازم آرایش مختلف آرایش می کنند، به او لباس عروسی محلی می پوشانند و برای رفتن به حجله آماده می کنند. داماد نیمه شب بدون سر و صدا به اتاق عروس می رود. در این مراسم یکی از دختران او را همراهی می کند. دختر دست عروس را به دست داماد می دهد و پس از دریافت هدیه حجله را ترک می کند.

قرقه – نشانه زنی یا گیرگ

قرقه زنی با تفنگ از گذشته های دور بین هزاره ها هواخواهانی زیادی داشته است. این بازی پرهیجان به مناسبت های گوناگونی مانند: عروسی و شادی های قومی و ملی بازی می شود. در عروسی ها دو طرف و یا فقط طرف داماد یعنی دامادخیل و عروس خیل در دو گروه نشانه زنی می کنند و در شادی داماد شریک می شوند. در این بازی دو گروه از بازیگران پس از دریافت طویانه ی بازی در جای بلندی می روند و شروع به نشانه زنی با تفنگ مَلَخی، بَرَنو، هفت تیر، نیکلی، یازده تیر سرپوش، لوچک پتره وال، مُچکی، کلاش و... می کنند. قرقه چی ها در محل نشانه جای تیر را نشان می دهند و نشانه زن ها به نوبت روی شخه دراز می کشند و تیر می اندازند. این بازی پس از چند دور پایان می یابد و برنده ی بازی طویانه ی بازی را از آن خود می کند.

مسابقه ی اسپ دوانی

تماچیان در جای بلند گرد می آیند و میدان بازی را تماشا می کنند. این میدان بسیار کشیده و فراخ است. در گوشه ی میدان دو دسته از سوارکاران ماهر هزارگی به صورت یرغه و چارپورته به مسابقه می آیند. برخی از اسب سواران، با اسب های شان حرکات نمایشی انجام می دهند. برخی دیگر از اسب تزئینات اضافی بر می دارند. اسب ها را با زین و تنگ و قیزه و رکاب آماده ی مسابقه می کنند. سوارکاران هزاره با اسب های تیز تک و چالاک شان در یک خط به ردیف می استند و با تکان دادن دستمال و شلیک هوایی مسابقه را شروع می کنند. با شروع مسابقه سوارکاران با سرعت تمام رکاب زنان و شلاق کویان بر باسن اسب های شان، چون باد و طوفان به آخر میدان می تازند. اسب های تک تاز با سرعت بی مانند فاصله شان را با سایر اسب ها زیاد می سازند و در فرجام یکی پس از گذر از دیگری به خط پایان نزدیک می شوند و یکی در فرجام خط پایان مسابقه را در می گذرد و برنده ی

میدان می شود. دیگران هم به ترتیب رتبه ی دوم و سوم را از آن خود می کنند. جایزه ی برندگان در مراسم شادبانه ی عروسی به فراخور بضاعت مالی پدر داماد تفاوت دارد ولی همه شادمان بر می گردند.

نیزه زنی و بزکشی

در این بازی سوار کار از گوشه ای میدان به تاخت به سوی میخ یا آئینه ی که مانند نشانه جا گذاشته شده است، اسپ می دواند و با نزدیک شدن به نشانه با نوک نیزه میخ را بر می دارد و آئینه را می شکند. مردم با دیدن آن شادی می کنند و بر سوار کار شادباش می گویند. این بازی را می توان تنهایی بازی کرد. البته در صورت مسابقه ی دو نفری بین دو سوار کار، برنده کسی خواهد که خوب از عهده ی بازی بر آید.

مسابقه ی بزکشی در مراسم های عروسی مانند بزکشی معمول در افغانستان برگذار می شود که بسیار پرهیجان و دیده نی است.

پیری مبارک کیدو (تبریکی عروسی)

کسانی که در روز عروسی نبودند یا مسافر بودند، از فردای عروسی به خانه ی داماد برای تبریک گفتن می آیند. مردان با خود شیرینی می آورند و زنان پتیر روغنی و مقدار روغن محلی (روغون دوغتو). مهمانان به گرمی از طرف خانواده ی داماد استقبال می شوند. مهمانان با لبخند که نشان از خوشحالی آنان است می گویند: آدم نو مبارک، خدا قدم شیره نیک کنه) خانواده داماد در جواب می گویند (تشکر! خدا شمو ره ام برسین نه) در پایان از مهمانان با آب گوشت پذیرایی می شود.

مهمانی

پدر داماد پس از چند روز از عروسی یکی از فامیل یا برادر داماد را به خانه پدر عروس می فرستد و پدر عروس را به خانه ی خود دعوت می کند و این گونه به وی ارج می گذارد. پدر عروس نیز با گرفتن هدیه با جمعی از نزدیکانش به مهمانی به خانه ی پدر داماد می رود. در پایان مهمانی پدر داماد به پدر عروس شال، چین و یا کمبل (پتو) می دهد. به دیگر مهمانان هم به رسم هر منطقه لنگی، چادر و پیرهن دوخته نشده داده می شود.

پای وازی (پای کشا)

پس از چند روز چند ماه و گاهی چند سال عروس از داماد و پدر داماد می خواهد که او را به رسم پای وازی به خانه ی پدری اش ببرد. این درخواست ممکن است از طرف خانواده عروس بشود. وقتی این دعوتی پذیرفته شد، در روز معین خانواده های نزدیک داماد مانند روز عروسی، عروس خانم را دوباره عروس می کنند و در میان شادی و هلله ی بسیار به خانه ی پدری به عنوان مهمان می برند. عروس با خود شیرینی و هدیه های بسیاری مانند: لباس، چادر و پول برای خانواده پدری اش بر می دارد. مهمانان پایوازی از طرف خانواده ی عروس به گرمی استقبال می شوند و از آنان با آب گوشت پذیرایی می شوند. در پایان روز همه به جز عروس به خانه های شان بر می گردند. عروس مدتی به رسم مهمان در خانه ی پدر می ماند و در زمان برگشت توسط خانواده پدری با احترام و کبکبه ی بسیار به خانه اش رسانده می شود.

ازدواج در ضرب المثل و سخن حکیمانه ی مردم هزاره

- ۱- زن و شوی اگه یکدیگی خو بخوایه ده بیابو هم زندگی مونه
- ۲- زن یا توره بیو مونه یا فقیر؛ اگه زن نگری امیشه فقیر مومه نی
- ۳- موقع رخت خریدو گوشه رخت ره توغ کو؛ موقع زن گرفتو خانوادگی شی ره
- ۴- بخشی زن گرفتو می ارزه که چند کلوش پاره کنی
- ۵- شراب ره از انگور و دختر ره از گل کینه ی خوب انتخاب کو
- ۶- زن گرفتو زود شی بده و دیر شی بد تر
- ۷- زن مثل کتابه، اونجایی که توره ذله مونه نخوان
- ۸- ده زن و شوهری بی تره که زن لال باشه و مرد کر
- ۹- خانه بی زن گورستویه
- ۱۰- ایچ زن به خاطر خدا شوی نمونه
- ۱۱- زن که خوب باشه خانه ام خوبه

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی

ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۲۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۲۳۳۳۰۴۵) (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از

پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بداند، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

